

## من بهترم!؟

«أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ؛ آیا من بهترم، یا این مرد حقیری که قادر بر بیان هم نیست؟» (آیه ۵۲/سوره زخرف)  
هنگامی که خداوند حضرت موسی (ع) را به سوی فرعون و قومش فرستاد آنها بواسطه نظام ارزشی موجود که همان ثروت و جایگاه‌های مادی بود و معیار دانشی که حس و تجربه بود دعوت او را به سخره گرفتند. فرعون، شادمان و متکبر از همراهی قوم بی‌ایمان، خطاب به آنان گفت: من بهتر از موسی هستم زیرا او مردی فقیر است و نمی‌تواند خوب صحبت کند اما ملک مصر از آن من است و نه‌رها از قصر من جاریست.

درواقع فرعون براساس همان نظام ارزشی، جامعه را فریب می‌دهد و برتری خود را در این سطح بیان می‌کند که من خوب هستم و او بد. «فَأَسْتَخَفُّ قَوْمَهُ فَطَاطَعُوهُ» قوم فرعون نیز تسلیم سخنان خفیف، سبک و تهی مغز او شده و اطاعتش کردند و سرانجام کارشان به آنجا کشید که خدا از آنان انتقام گرفت.

در یک جامعه می‌توان به جای تعلیم، تبلیغ صرف را پذیرفت و به جای تعلیل، تکرار را پذیرفت. مانند تبلیغات پرتکرار یک خوراکی بی‌ارزش که موجب پذیرش توسط مخاطب می‌شود و این یعنی شستشوی مغزی<sup>(۱)</sup>. اما در جامعه توحیدی ارزش‌ها بر پایه ایمان و فطرت الهی بنا می‌شود و رویکردها و عملکردها براساس ساختار ارزشی تعیین شده توسط پروردگار شکل می‌گیرد. در این جامعه اصول الهی-انسانی متعالی پایه قضاوت، تصمیم‌گیری و ارزشیابی قرار می‌گیرد و مردم گرفتار استخفاف باطل نمی‌شوند.

یکی از چالش‌های معمول جامعه ما بحث انتخابات است که به دلیل موقعیت ویژه کشور، هرچه جلوتر می‌رود حساسیت‌ها و اصطکاک‌های موجود در آن بیشتر می‌شود. انتخابات می‌تواند یک آزمون و خطای دائمی براساس تبلیغات، شعارها، وعده‌ها و ظواهر باشد که تجربه نشان داده تکیه بر این موارد بدون در نظر گرفتن عملکردها و مبانی موجود در عمق سخنان نامزدها، موجب افزایش مشکلات کشور و کند شدن سرعت پیشرفت شده است. وعده‌های زیبا و سخنان فریبنده‌ای که هیچ سختی با واقعیات جامعه ندارد و فقط یک تصویر مثبت موقت در ذهن انتخاب‌کننده ایجاد می‌کند تا رای او را تصاحب کند، ارزشمند نیست. تکیه بر ارزش‌های ظاهری تحمیل شده توسط فرعون‌های کوچک و بزرگ جامعه را سعادت‌مند و پیروز نمی‌گرداند.

اما نگاه موشکافانه و جستجوگر برای یافتن بهترین و واقعی‌ترین برنامه اجرایی و انتخاب براساس ارزش‌های ایمانی و فطری نوپدیشش رفع مشکلات و تعالی جامعه و افزایش قدرت بازدارندگی در برابر دشمنان خواهد بود.

(۱) آیت‌الله جوادی آملی

## شرکت در انتخابات؛ تقویت نظام جمهوری اسلامی است

که موجب تأمین پایداری و ماندگاری آن می‌شود و کشور در حصار امنیت کامل باقی می‌ماند

سید مرتضی  
۹۴/۱۰/۹

### سیدمرتضی امامی

قرار می‌دهد. یعنی فضای ذهنی جامعه در چارچوب‌های زمان و مکان خاصی، قابلیت پذیرش حداکثری به لحاظ عمق و شدت اثر دارد.

در زمانی که اکثر جریان‌ها، در قدرت‌طلبی سعی در تبلیغ یا تخریب شخص و جریان خاصی دارند و به دنبال شعارهای رای‌آور هستند؛ فضای انتخابات می‌تواند به عنوان یکی از بهترین بسترها برای طرح گفتمان و اندیشه‌ی سیاسی اجتماعی انقلاب اسلامی باشد. در این ایام همه‌ی مردم به اندازه هم در تعیین سرنوشت جامعه درگیر و سهیم می‌شوند. در چنین فضایی است که انگیزه‌ها برای توجه به موضوعات اساسی شدت می‌گیرد و آحاد جامعه برای خود و دیگران حق تصمیم‌گیری قائل می‌شوند.

در مقطع حساس انتخابات، وقتی مردم خود را در برابر انتخاب می‌بینند، تمایل بیشتری نیز برای دقت در تطبیق و نسبت شعارها، اشخاص و جریان‌ها و گفتمان‌ها با انقلاب دارند و طبیعتاً قابلیت، ظرفیت و استعداد بیشتری هم برای توجه به مسائل جدی از خود نشان می‌دهند. بنابراین؛ روشنگری درباره شعارها و گفتمان جریان‌های سیاسی و هدایت مردم به سوی گفتمان برتر و انقلابی، و در نهایت؛ مطالبه مردم می‌تواند بر نوع عملکرد نخبگان و رجل سیاسی بیش از هر زمان دیگر اثرگذار باشد و جهت‌گیری کلی امور سیاسی اجتماعی را مشخص نماید.

## گفتنی‌تر

ایجاد اجتماعی سیاسی است که موجب می‌شود تا جوان انقلابی، به لحاظ ذهنی و روشی، نتواند میان علوم سیاسی، روش و واکنش‌های سیاسی و اندیشه اسلامی حاکم بر انقلاب اسلامی رابطه برقرار کند.

اگر اسلام را مسلکی اجتماعی و دارای اصولی منسجم برای زندگی اجتماعی و یکی از فوری‌ترین ضرورت‌های تفکر مذهبی بدانیم، ورود به مسائل سیاسی اجتماعی بدون اندیشه اسلامی را خارج از محدوده هویتی خود خواهیم دانست. یعنی ملاک مطابقت رفتار سیاسی، میزان همخوانی آن با خواستگاه هویتی ما است. رفتار سیاسی صحیح و متناسب با هویت اسلامی انقلابی، روشن‌گری و هدایت‌گری اقشار مختلف مردم است. برای هدایت جامعه و تاثیرگذاری مطلوب، نیازمند بستر مناسب در جامعه و ظرفیت مؤثر و ویژه‌ای هستیم. یکی از بهترین بسترها، زمانی است که جامعه، خواهان هدایت است و خود را در مسیر هدایت

دوران انزوای گفتمان‌های سیاسی، دورانی است که آن گفتمان‌ها و جریان‌های تابع آن، هیچ تاثیری در متن زندگی مردم نداشته باشند. حیات یک جریان سیاسی، تنها به حرکت در آوردن جامعه با زور و تزویر سیاسی نیست، بلکه حضور و نقش آنها باید در تمام ابعاد جامعه ملموس و قابل درک باشد. به گونه‌ای که در رابطه‌ای متقابل؛ مردم جریان‌های سیاسی را هم بر مبنای اقتضانات ارزش‌های فرهنگی اجتماعی و لوازم دوران جدید باز تعریف و باعث ترقی تفکر آن جریان‌ها شوند. چنانکه تبیین مواضع و به حرکت در آوردن جریان‌های سیاسی، باعث استقلال سیاسی آنها و به تبعیت از آن، باعث استقلال و عزت کشور می‌شود، به شرطی که هر لحظه خود را در معرض حضور و پرسش‌گری مردم بدانند.

اما آنچه در کیفیت و لزوم رفتارهای سیاسی ما موثر است، پاسخ به این سوال‌ها است که؛ کیفیت رفتار ما به عنوان فردی از قشر حزب الهی و افسر جنگ نرم در مقاطع حساس و تحولات اجتماعی سیاسی چگونه باید باشد؟ بر مبنای چه الگویی و مطابق چه شاخص‌هایی باید در پیش‌برد سیاسی انقلاب اسلامی ورود داشته باشیم؟ چه نحو رفتار می‌تواند به عنوان شأنی از شئون هویتی جوان انقلابی و جوان تراز انقلاب اسلامی باشد؟

از موانع رفتار صحیح سیاسی در برهه‌های حساسی مثل انتخابات‌ها، عدم فهم و یا درک ناقص از نظام اندیشه‌ی اسلامی به خصوص در



## آیت الله شهید دکتر بهشتی: مگر می شود جامعه را بر محور دروغ پیش برد؟

• موضع ما در مسائل اخلاقی و ارزش های اخلاقی این است که ارزش های اخلاقی اصیلند، وسیله نیستند. وقتی می گوئیم اسلام دین صدق و راستی است، یعنی جان من! اصلا دروغ نگو، اگر هم مجبور شدی و گفستی دروغ مصلحت آمیز است، ۱۰۰ روز یکی یا سالی یکی، نه ساعتی ۱۰۰ تا دروغ تاکتیکی!

• خدا هم می دانید که چه وعده داده است؟! خدا گفته است: ای آدمیزاد! در راه من باش، من با تو هستم.

• مگر می شود یک جامعه ای را بر محور دروغ تا آخر پیش برد؟ عزیز من! از در راستی در آی، دروغ را به کناری بنه. همین نوجوان ها و جوان ها که گهگاه فریب دروغ امروز را می خورند، همیشه در این حال نمی ماندند. فردا،

ساعت دیگر، روز دیگر، هفته دیگر، ماه دیگر، سال دیگر بالاخره بیدار می شوند و بر تو لعن و نفرین می فرستند که چرا ماه ها یا سال ها آنها را فریفته بودی؟!

• ما معتقدیم راستی تاکتیک نیست، راستی اخلاق است؛ هر عیب و نقصی هم در خودمان هست می آیم راست به مردم می گوئیم. اشتباهی هم اگر بکنیم می آیم راست به مردم می گوئیم. مسلمان بیش از هر چیز در راستی و درستی در صدق و امانت و صراحت... متجلی می شود.

• بنابراین دروغ تاکتیکی گفتن... شایعه سازی و دروغ پردازی؛ اینها جزو تاکتیک های مسلمانان علوی نیست. دروغ پردازها بدانند تا وقتی ما یک چنین موضع و رابطه ای را با مردم قهرمان و با ایمان مان داریم، آن دروغ زنی های آنها بازارش کساد است.

• ما معتقدیم افراد و گروه ها و سازمان هایی که دروغ تاکتیکی را واجب می دانند اینها از مسیر اسلام اصیل و اخلاق منحرف شده اند. به همین دلیل ما در تشکیلات جمهوری اسلامی هر جا دروغی و خلافی ببینیم محکم جلوی آن می ایستیم ولو آن دروغ از نظر سیاست به سود کارها تلقی شود.

• هستند کسانی که چنین می اندیشند که در راه آرمان ها و شعارها می شود دروغ گفت، می شود مبالغه کرد... ولی ما رودرروی آنها ایستاده ایم و می ایستیم.

## قفس لندن

بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۸ سه عمارت باشکوه در قلب لندن به پایگاه یکی از محرمانه ترین تشکیلات نظامی انگلیس تبدیل شده بود: دفتر مرکز بازجویی مشروح در لندن، معروف به قفس لندن. این مرکز را MI۱۹ که بخشی از دفتر جنگ و مسئول گردآوری اطلاعات از اسرای جنگی دشمن بود، اداره می کرد و افراد اندکی خارج از این سازمان از رخدادهای آن مطلع بودند.

سال ها بعد تونی وایت همد، روانپزشک، در خاطراتی نوشت وقتی سرباز جوانی بود، روزی یک گروهیابان سرکش اس اس را به قفس تحویل داد. وقتی سه روز بعد برای تحویل گرفتن او به آنجا رفت، دید که آن مرد به شدت در خود فرو رفته و به ندرت سرش را بالا می آورد و وی را «قربان» خطاب می کند. وی می نویسد: «واقعاً نمی دانم در قفس لندن چه بلایی بر سر او آورده بودند.»

روزنامه گاردین فاش کرد یکی از موارد استفاده قفس لندن بازجویی و شکنجه اسرای جنگی بود. آنجا دارای فضای کافی برای ۶۰ زندانی، و ۵ اتاق بازجویی بود. تعداد بسیار زیادی از افسران و سربازان آلمانی در آن مرکز در

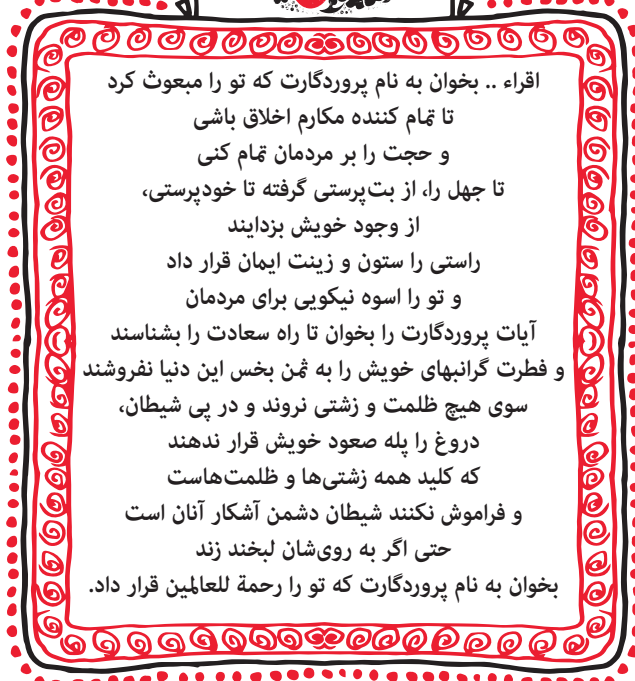


معرض بدرفتاری نظام مند قرار گرفته بودند. وحشی گری در برخورد با زندانیان مختص بیش از ۳۵۰۰ اسیر نظامی نماند و تعدادی غیر نظامی آلمان نیز به آنها پیوستند.

از جمله روش ها این بود که نگهبانان وظیفه داشتند هر ۱۵ دقیقه یکبار با پا به در سلول زندانیان بکوبند تا نتوانند بخوابند یا مأموران به قدری آنها را کتک می زدند که زندانیان التماس می کردند که بکشندشان. در میان اسناد موجود نامه شکایت مفصلی از یک کاپیتان اس اس، فریتس نوشلاین به چشم می خورد که درباره طرز برخورد با وی پس از انتقالش به قفس در اکتبر ۱۹۴۶ نوشته است. در این نامه آمده:

چون او نتوانست باب میل آن ها اعتراف کند لباس هایش را از تنش درآوردند و تنها یک پیژامه به وی دادند و چهار روز و شب به او اجازه خواب ندادند و از غذا محرومش کردند. علاوه مجبورش می کردند فعالیت های بدنی شدیدی انجام دهد تا از هوش برود، سپس او را وادار می کردند در دایره ای کوچک به مدت چهار ساعت راه برود و مدام به او لگد می زدند. او را در آب سرد فرو می کردند، از پله ها به پایین هل می دادند و با چوب کتک می زدند. او را مجبور به ایستادن کنار یک بخاری بزرگ می کردند و سپس در حمام حبس می کردند و از همه سو به روی او آب یخ می ریختند. زمانی که نوشلاین این اطلاعات را فاش کرد، در شرف اعدام بود.

صائمه رضایی



اقرار .. بخوان به نام پروردگارت که تو را مبعوث کرد  
تا تمام کننده مکارم اخلاق باشی  
و حجت را بر مردمان تمام کنی  
تا جهل را، از بت پرستی گرفته تا خودپرستی،  
از وجود خویش بزدايند  
راستی را ستون و زینت ایمان قرار داد  
و تو را اسوه نیکویی برای مردمان  
آیات پروردگارت را بخوان تا راه سعادت را بشناسند  
و فطرت گرانبهای خویش را به ثمن بخر این دنیا نفروشدند  
سوی هیچ ظلمت و زشتی نروند و در پی شیطان،  
دروغ را پله صعود خویش قرار ندهند  
که کلید همه زشتی ها و ظلمت هاست  
و فراموش نکنند شیطان دشمن آشکار آنان است  
حتی اگر به روی شان لبخند زند  
بخوان به نام پروردگارت که تو را رحمة للعالمین قرار داد.

پرواز ۷۷

او با دشمن مرز مشخصی باشد. بعضی، ملاحظه دشمن را می کنند. ملاحظه ملت را باید کرد، ملاحظه خدا را باید کرد، نه ملاحظه دشمن را. (۸۴/۱۲/۲۲)

۵. توانایی مدیریت اجرائی کشور را داشته باشد. (۱۳۹۲/۰۲/۰۷)

۶. سیاست های اقتصاد مقاومتی داشته باشد. (۹۲/۲/۷)

۷. کاری، مردمی، مقاوم، ارزشی، باتدبیر و قانون مدار باشد و درد مردم را حس کند. (۹۲/۲/۱۶)

۸. انسانی شایسته، وارسته، باعزم، مؤمن، انقلابی و با همت جهادی باشد. (۹۲/۲/۲۵)

۹. همتش بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدف های انقلاب باشد. (۹۲/۲/۲۵)

۱۰. شعارهایی بدهد که منطبق با واقعیات کشور باشد. (۹۲/۲/۲۵)

۱۱. ریخت و پاش و تبلیغات زیاد از اندازه نداشته باشد. (۹۲/۲/۶)

۱۲. مذهب به اخلاق باشد، به حاشیه ها نپردازد و وعده بی مبنا ندهد. (۹۲/۲/۷)

معیارهای ذکر شده، آنقدر روشن و واضح هستند که نیاز به تحلیل و تفسیر ندارند. فقط باید به یک موضوع دقت داشت و آن هم «مردم» است. طبق معیارهایی که در اختیار ما گذاشته شده، رئیس جمهور کسی است که از مردم است و برای مردم. پس همه چیز برمی گردد به مردم و انتخابی که آنها خواهند کرد. نتیجه انتخاب درست یا غلط فقط و فقط به مردم برمی گردد.

بنابراین، به دور از هرگونه تعصبات گروهی و حزبی و جناحی و فارغ از جنجال سازی های تبلیغاتی، فرد اصلاح را برای خدمت به کشور انتخاب کنند. انتخابات پیش رو فرصتی برای جبران کاستی های گذشته و حرکت به سمت ساختن کشور با عزت و قدرتی بیش از پیش است.

سیاسی

## معیارهای صلاحیت

با نزدیک شدن ایام انتخابات و بالا گرفتن تبلیغات و زیاد شدن شعار و وعده های نامزد های مختلف، امکان تصمیم درست و انتخاب فرد اصلح برای بعضی از مردم دشوار می شود. در این شرایط وجود افراد عالم و آگاه و توصیه هایشان، شناخت نامزد اصلح را آسان می کند.

در هیاهوی تبلیغات انتخاباتی باید یادمان باشد که «اقتصاد مسأله ای اصلی کشور است. اگر ملت بتواند اقتصاد خود را روبه راه کند، دشمن در مقابله با ملت ایران بی دفاع خواهد ماند» (بیانات ۱۳۹۲/۰۳/۱۹)

داشتن برنامه اقتصادی روشن و کارآمد باید یکی از ویژگی های رئیس جمهور آینده باشد اما در کنار این ویژگی، معیارهای دیگری نیز لازم است که بخشی از مهمترین آنها را که توسط رهبر معظم انقلاب ذکر شده است بیان می کنیم:

۱. معتقد به قانون اساسی و دارای روحیه مقاوم در برابر دشمنان باشد. (۹۲/۲/۷)

۲. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. (۸۷/۲/۲۲)

۳. به کسی گرایش پیدا کند که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده ی مردم و به عزت مردم اهمیت می دهد. (۸۴/۲/۱۴)

## هدایت پنهان

(بازخوانی اسناد لانه‌ی جاسوسی)

بازخوانی سند محرمانه شماره ۲۳ / ۳ مرداد ۱۳۵۶

از سفارت آمریکا تهران  
به وزارت خارجه واشنگتن  
دولت چه خواهد کرد؟

دولت ایران و حزب رستاخیز در حال همسان‌سازی این صعود ناگهانی مخالفت محدود هستند که به وسیله یک مجموعه از سیاست‌های خود دولت و شرایط به ظهور رسیده است. در کوتاه مدت سه راه حل به نظر می‌رسد:

۱. دولت ممکن است با به وجود آمدن انگیزه و فشار، تلاش کند عملیات مخالفین را زیر چتر حزب رستاخیز بیاورد. از انتقاد کنندگان بخواهد که در حزب فعال شوند و یا انتقادهایشان را به واحدهای حزب ارائه دهند.

۲. هم شاه و هم دولت ممکن است به سادگی عقب بنشینند و به عنوان بهای باز کردن سیستم سیاسی، اجازه انتقادهای بیشتر را بدهند. این کار فقط در صورتی عملی است که این نوع مخالفت به صورت امن قابل اداره باشد و سیستم نیز به اندازه کافی باثبات باشد که بتواند چیزی را که شاه «تجمعات مخالفین» می‌خواند، تحمل کند.

۳. دولت ممکن است به سادگی انتقادات را سرکوب کند و یا آن را بر اساس ارجحیت امنیت کشور محدود کند. این یک راه حل غیرمحمول به نظر می‌رسد چون هدف بازگشودن سیستم سیاسی را شکست می‌دهد.

در مقام عمل، دولت ایران احتمالا هر سه این راه‌ها را در شرایط مقتضی استفاده خواهد نمود. درجه سرکوبی بستگی به ماهیت پیام انتقادکننده دارد.

### چگونگی برخورد ایالات متحده:

ایالات متحده در مراحل این افزایش انتقاد مستقیما مداخله ندارد و نباید داشته باشد. انتقادکنندگان از دولت ایران ممکن است از سمبل‌هایی استفاده کنند که خیلی از آمریکایی‌ها با آن همدردی کنند.

ایالات متحده ممکن است به خاطر روابط نزدیک سنتی در زمان سلسله پهلوی با ایران زیر آتش قرار بگیرد. ایالات متحده باید از انتشار اعلامیه رسمی در این مورد که ممکن است به وسیله مخالفان یا حامیان رژیم فعلی و یا هر دو بد تعبیر شود، خودداری کند. با در نظر داشتن اختلافات فرهنگی و دیدگاه‌های سیاسی بین نخبگان و اشخاص عادی در هر دو کشور، آمریکا هر چه کمتر در این جریانات ظاهر شود، بهتر است.»

واضح است آمریکا در راستای اهداف استعماری خود به دنبال کنترل و هدایت پنهان دولت ایران بوده و هست اما این که دولتی بخواهد با راهکارهای آمریکا پیش رود، یا اصلا با مساعدت‌های آنان به ریاست برسد می‌شود مصداق این کلام امام راحل که فرمودند:

«مع الأسف جناح‌هایی هستند دست و پا می‌کنند که آمریکا قدرت پیدا کند. این ننگ را ما کجا باید ببریم که اهالی یک کشوری، افرادی که از همین مملکت است و اینجا پرورش پیدا کرده، حالا که مملکت ما و ملت ما، قدرت آمریکا را شکست داده است، باز روابط با آمریکا دارند که برگردانند. ما این ننگ را باید کجا ببریم؟ این شکایت را پیش کی بکنیم که باز هم در بین جمعیت ما اشخاصی هستند که اخلاص می‌کنند که نمی‌خواهند جمهوری اسلامی تحقق پیدا بکند. [چون] جمهوری اسلامی اگر تحقق پیدا کند دست ارباب‌ها کوتاه می‌شود»

(صحیفه امام، جلد ۱۱، صفحه ۲۶۰)

دنبالش می‌دیدیم در یک گوشه خلوت کرده و مشغول نماز یا خواندن قرآن است.

## قضیه رفتن به سوریه را چطور به شما گفتند؟

صحبت خاصی در این مورد که می‌خواهم بروم سوریه و چنین و چنان می‌شود و چنین سمتی دارم و چنان کاری قرار است بکنم، نداشتند. اما با اخلاقی که در خانه داشت و از نوع رفتارش با مردم و دقیق بودن در نماز اول وقت خواندن و قرائت قرآن می‌شد تشخیص داد که اکبر آقا راهش را چطور انتخاب کرده و چقدر ثابت قدم است در راهی که انتخاب کرده است. همین که ما هر هفته بهشت زهرا می‌رفتیم و از خصوصیات و عاقبت به خیری شهدا می‌گفت درواقع من را برای این موضوع آماده می‌کرد.

### ایشان چندبار به سوریه رفتند؟

این بار دوم‌شان بود که قرار بود دو ماه بروند و برگردند که بعد از ۱۰ روز خبر شهادت‌شان آمد.

### هیچوقت به ایشان نگفتید نرو؟

خب خیلی سخت است از هر کسی پرسید که چرا همسرت دارد می‌رود؟ آیا از عاقبتش باخبری؟ نگذار برود. نمی‌گویم من نگفتم نرو، گفتم، ولی خیلی اصرار نکردم. بعضی خانم‌ها می‌گفتند شاید اگر اجازه نمی‌دادی نمی‌رفت چون خیلی به رضایت خانواده معتقد بود. ولی می‌دانستم اگر می‌گفتم نرو، دو دل می‌شد و تردید می‌کرد و بین راه می‌ماند. نتوانستم در این راه خودخواهی کنم، چون می‌دانستم بهترین راه را انتخاب کرده است.

باز هم می‌گویم خیلی سخت بود. حتی آن لحظه‌ای که داشت آماده می‌شد تا برود، یادم است شب بود و محمداقرا دو ماهش بود، بچه را به دستم گرفتم و گفتم اکبر

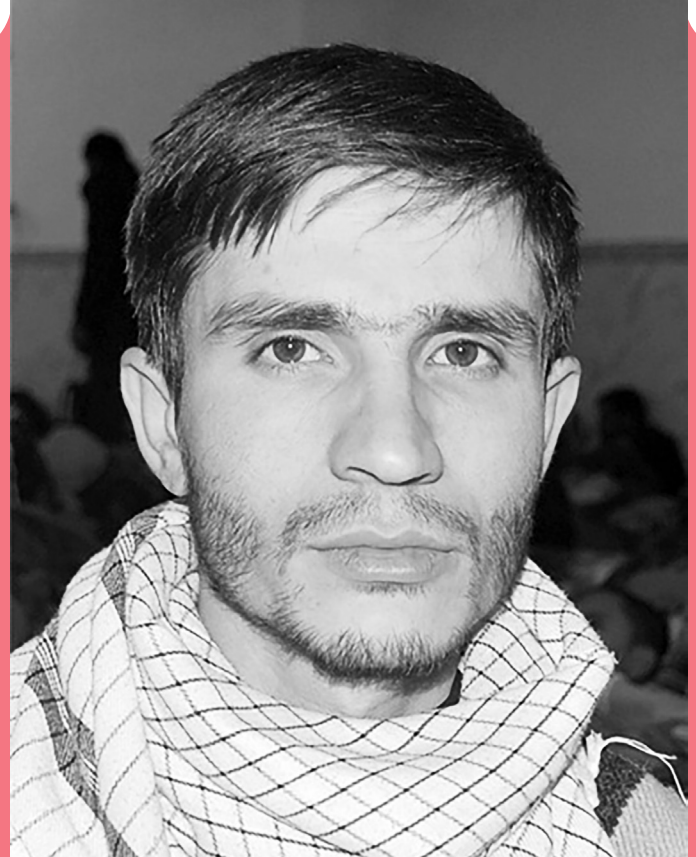
**اخلاقی که در خانه داشت و از نوع رفتارش با مردم و دقیق بودن در نماز اول وقت خواندن و قرائت قرآن می‌شد تشخیص داد که اکبر آقا راهش را چطور انتخاب کرده و چقدر ثابت قدم است.**

اگر می‌توانی به خاطر محمداقرا نرو. چون شما تازه پدر شدی و مسولیت‌تان چند برابر شده و محمداقرا تازه به دنیا آمده و به پدر نیاز دارد. یعنی خودم را جلو نیندازم. ایشان در جواب فقط لیخن زد. احساس نگرانی نداشت و مرا با همان لیخن متقاعد کرد و من نتوانستم بیشتر اصرار کنم.

ایشان در زندگی به گونه‌ای بود که همه می‌دانستند در چه راهی هست. حتی برادر وسطی من که با ایشان در هیات دوست بود به مادرم می‌گفت دخترتان را به این پسر ندهید. این قرار است شهید شود!

### در سوریه با ایشان تماس داشتید؟

بله؛ خود ایشان هر شب با من تماس می‌گرفت. گاهی صبح تماس می‌گرفت گاهی شب یا یکروز هم تماس



• شهید اکبر شهرداری حافظ کل قرآن و مداح اهل بیت (علیهم‌السلام) از جمله اولین شهدای مدافع حرم است. توفیق حاصل شد به دیدار همسر بزرگوار ایشان خانم صبوری در محله تهرانپارس برویم. مصاحبه زیر حاصل این دیدار است.

## چطور با شهید شهرداری آشنا شدید؟

سال ۸۹ در سفر زیارتی مشهد با خانواده ایشان آشنا شدم و از طریق خواهرشان بحث ازدواج پیش آمد. البته یکسال طول کشید چون من درس می‌خواندم و اصلا قصد ازدواج نداشتم و مخالف بودم. بعد از یکسال جواب رد دادن و اصرار خانواده‌شان بالاخره این وصلت شکل گرفت.

ما سال ۹۰ عروسی کردیم و اکبر آقا سال ۹۲ رفتند سوریه. سال اول زندگی آرامی داشتیم و از سال دوم مشغله کاری اکبر آقا در سوریه زیاد شد. خیلی کم همدیگر را می‌دیدیم. معمولا به ماموریت‌های ۱۲ روزه و دوهفته‌ای می‌رفتند و من مجبور می‌شدم در خانه پدرم بمانم. زندگی بسیار ساده و بی‌آلایشی داشتیم و همانطوری بود که خود ایشان دوست داشتند.

## خصوصیت اخلاقی ایشان چه بود؟

همانطور که شهدا را می‌شناسیم، آنها آدم‌هایی هستند که گویا از قبل انتخاب شده هستند و اینگونه نیست که یک‌باره در یک شب و یک روز مهر شهادت بر پیشانی‌شان خورده باشد. من خودم اکبر آقا را می‌دیدم که چگونه در طول زندگی، خودشان را به خدا نزدیک می‌کردند. تمام لحظت‌شان و حرکاتشان به خاطر خدا بود. واقعا خدایی زندگی می‌کردند و اینطور نبود که حتی یک لحظه از خدا غافل شده باشند. نماز اول وقت خواندن‌شان، قرآن خواندن‌شان و زیارت عاشورا خواندن‌شان به هیچ عنوان

ترک نمی‌شد. خیلی تودار و خیلی فروتن بود و همیشه خودش را همسطح دیگران نشان می‌داد ولی همین قدر بگویم که از خیلی از هم سن و سالهای خودش بالاتر بود. همیشه درحال تلاش بود و هیچگاه تبلی را به خودش راه نداد. به قول مادرشان از وقتی ۷ ساله شدند دائم در مسجد بودند و به نماز و روزه و این مسائل خیلی علاقه داشتند. در احترام به پدر و مادرش واقعا زبانتزد بود و بین همکاران و رفیقان و فامیل همه می‌گویند هیچکس را ندیدیم مانند ایشان به والدین احترام بگذارد. واقعا تک بود و انگار یک چیزهایی از آسمان آموزش دیده بود. به شهدا خیلی علاقه داشت. اکثر اوقات فراغت‌مان در قطعه شهدای گمنام بهشت زهرا می‌گذشت و علاقه خاصی به قطعه ۲۶ داشت. من قبل از آن خیلی کم، قطعه شهدا را زیارت کرده بودم اما بعد از آشنایی با ایشان، آشناییم با شهدا بیشتر شد. واقعا راه شهدا را ادامه می‌داد نه اینکه شعار باشد، نه؛ تمام زندگی‌شان مثل شهدا بود. تمام سعی‌شان این بود که رضایت خدا را جلب کند و برای خودنمایی نبود.

با واسطه از همسفران و هم‌زمان ایشان در عراق هم شنیدم که می‌گفتند آنجا هم دست از کار و عبادت نمی‌کشید. ما که خسته از عملیات برمی‌گشتیم ایشان با همان لباس نظامی مشغول قرائت قرآن می‌شد یا نماز شب می‌خواند. خودش روضه را زیر لب زمزمه می‌کرد. می‌گفتند اکثر مواقع اکبر آقا را نمی‌دیدیم و وقتی می‌رفتیم



## چهره‌های محبوب و منفور در قرآن

قرار گرفته‌اند. وی، در وصف هر گروه از انسان‌های فوق‌الذکر آیات مربوط به آنها را ذکر می‌نماید و با استفاده از تفاسیر معروف قرآن کریم، اوصاف هر گروه را به طور مجزاً از قرآن استخراج نموده و روایاتی نیز درباره آنها نقل می‌نماید. در توصیف هر گروه مثبت یا منفی، علت مدح یا ذم آن گروه را با توجه به مفاد آیات بیان کرده و کارکردهای مثبت و منفی آنان را نیز بازگو می‌کند.

نویسنده:

حجت‌الاسلام و المسلمین حسین انصاریان

ناشر: المهدی



این کتاب توصیفی است از معرفی ده چهره محبوب و ده چهره منفور وصف شده در قرآن کریم. نگارنده پس از اشاره به اوصاف قرآن به معرفی برخی از انسان‌های ممدوح و مطرود از نگاه قرآن می‌پردازد و توابع، متطهرین، متوکلین، محسنین، متقین، مقسطین، قتال‌کنندگان در راه خدا، دین‌داران واقعی، پیروان رسول اکرم (ص) و صابریان را معرفی می‌کند و معتدین و مفسدین، کافرین، ظالمین، مسرفین، خائنین، مستکبرین، فرحین و مختال‌فخور را جزء انسان‌هایی برشمرده است که مورد مذمت خداوند متعال

دلهره داشتند. انگار که کسی به آنها خبر داده بود و می‌خواستند مرا آماده کنند. تا اینکه ۵ یا ۶ غروب بود که خبر دادند اکبر آقا مجروح شده است. من این خبر را از پدر شنیدم. پدر می‌خواستند من را آماده کنند. موقعی که شنیدم اکبر مجروح شده باور نکردم. گفتم اکبر یا شهید می‌شود یا سالم برمی‌گردد چون خودش گفته بود.

تا وقتی که معراج نرفته بودم باور نمی‌کردم. حسی که در معراج داشتم را نمی‌توانم توصیف کنم. پسر در معراج صورتش را روی صورت پدرش گذاشت و در کل مراسم تشییع هم روی پیکر پدرش بود.

### از نحوه شهادت ایشان مطلعید؟

ایشان در حال فرماندهی عملیات بود. رفته بودند محلی را شناسایی کنند که به فاصله نیم متری کمپاره‌ای اصابت می‌کند و سمت چپ بدن‌شان از بین می‌رود. من فقط صورتشان را دیدم و اجازه ندادند بدن‌شان را ببینم.

### تا به حال خواب شهید را دیده‌ای؟

تقریباً یک هفته بعد از شهادتش خواب دیدم با هم مشهد رفته‌ایم. روبروی ضریح آقا امام رضا (ع) بودیم و من هی گلایه می‌کردم چرا تنها رفتی؟ چرا من را با خودت نبردی؟ و ایشان می‌گفت که نگران

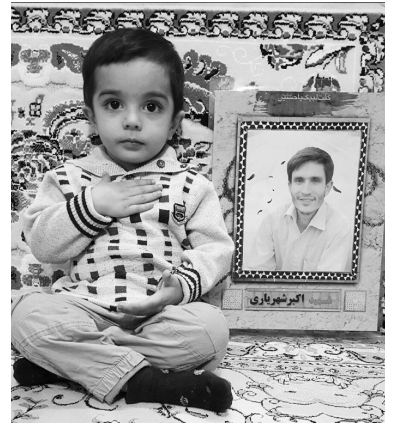
**در احترام بود و پدر و مادرش  
زبانزد بود و بین همکاران و  
رفیقان و فامیل همه می‌گویند  
هیچکس را ندیدیم مانند ایشان  
به والدین احترام بگذارد. واقعا  
تک بود و انگار یک چیزهایی از  
آسمان آموزش دیده بود.**

نباش من همیشه حواسم به تو هست.  
**نکته‌ای هست که به عنوان  
یادگاری از شهید بخواهید ذکر  
کنید؟**

گاهی وقتی به خانه خواهرشان می‌رفتم خواهرزاده‌هایش را نصیحت می‌کرد که با مادرشان مهربان باشید. مادرشان برای شما یک فرشته است و از طریق محبت به او هست که می‌توانید به خدا برسید. یا به برادران من و پسرعموهایم یک نکات ریزی را سفارش می‌کردند. مثلاً به برادر بزرگترم گفته بود اگر هر روز زیارت عاشورا بخوانی به هر چیزی بخواهی می‌رسی و خودش هم همینطور بود و در هر شرایطی زیارت عاشورایش ترک نمی‌شد. حتی برخی روزها دو یا سه بار می‌خواند.

اکبر آقا بعد از شهادتش شناخته شد و طوری زندگی کرده بود که در دوران حیاتش خودش را طوری مطرح نکرده بود که بخواهد از او تعریفی بشود فقط با کارهایش و بعضی نکاتی که می‌گفت ما را به سمت راه خدا می‌کشاند.

**از وقتی که در اختیار ما قرار دادید  
سپاسگزارم.**



نمی‌گرفت. بار آخری که تماس گرفتند شب شهادت‌شان بود. ساعت ۱۲ شب بود که خیلی خسته و ناراحت بود. گفتم اکبر معلوم است خیلی خسته‌ای و ایشان گفت که خیلی خسته‌ام. می‌خواهم یک جوری بخوابم که از هیچ چیز باخبر نشوم. یک خواب مشتکی دلم می‌خواهد. گفتم الان که کاری نداری و نصفه شب است. امیدوارم خواب خوبی داشته باشی.

داشتیم با هم صحبت می‌کردیم که دیدم صدای گریه می‌آید. گفتم اکبر اتفاقی افتاده؟ مشکلی پیش آمده؟ ایشان گفت نه همه خوبیم. می‌گفت فضای شهر دمشق خیلی دلگیر است. بچه‌ها دلشان گرفته، یک روزه خواندیم و کمی گریه کردیم. بعد تماس را قطع کردم. دوباره نزدیک ۱ تماس گرفتم گفتم اکبر مشکوک می‌زنی یا یکی از همکاران‌تان شهید یا مجروح شده. گفت نه من که گفتم جلو نمی‌روم. کار کت و شلواری داریم.

آخرین چیزی که به او گفتم این بود که موقع نماز صبح دعوات می‌کنم. دعایی که از من خواسته بودی هیچ وقت فراموش نمی‌کنم، متأسفانه به زبانم می‌آید. همینطور به او گفتم چون همیشه از من می‌خواست برای شهادتش دعا کنم. حتی موقع تولد محمداقبر می‌گفت حتما دعا کن چون دعای مادر می‌گیرد. خیلی خوشحال شد. گفت واقعا دعایم کردی؟ گفتم آره، چون می‌گویند موقع نماز صبح اجابت دعا بیشتر است هر روز صبح دعایت می‌کنم. نمی‌توانم دعایت نکنم. از من خواست صدای محمداقبر را برایش ضبط کنم تا وقتی برگشت بشنود و من این کار را هم برایش انجام دادم. این آخرین مکالمه ما بود.

### چطور از شهادت او باخبر شدید؟

در آن تماس روز دوشنبه که گفتم حالشان به هم ریخته بود درواقع آن روز یکی از همکاران‌شان یعنی محمودرضا بیضایی به شهادت رسیده بود که با هم ارتباط خانوادگی داشتیم و سفر رفته بودیم و در هیئت با برادرهایم رفاقت داشتند ولی به من نگفتند تا صبح که این خبر را به من دادند. گفتم محمودرضا که یک دختر دوساله داشت، چرا محمودرضا؟

سه شنبه بود که ناگهان دلهره و دلشوره پیدا کردم. می‌دانستم که ساعت ۱۱ شب قرار است زنگ بزند ولی آن روز خیلی نگران بودم که چرا زنگ نزده؟ با مادر و خواهرشان تماس گرفتم که شما از اکبر آقا خبر ندارید؟ گفتند نه، حالا شب زنگ می‌زند اما خیلی

## مسئولیت تریک نداره!

ایجاد نماید.»

با اینکه مدارک زیادی علیه بنی‌صدر داشت کمترین وقت را برای سخنرانی در جلسه بررسی کفایت رییس‌جمهور به او دادند. وقتی دلیش را پرسیدند با آرامش گفت: «مهم نیست. من برای تاریخ حرف زدم. می‌ترسیدم که آیندگان مذاکرات مجلس را بخوانند و بگویند که مجلس شورای اسلامی اولین رییس‌جمهوری خودش را زیر سوال برد و عزل کرد، در حالیکه هیچ دلیل جدی نداشت. من آن چند دقیقه را برای این سخنرانی کردم. برخی افراد دیگری که صحبت کردند، دلایل جدی را مطرح نکردند، بنابراین من نگران این بودم.»

سخنرانی‌هایش در دانشکده داروسازی و بیشتر در دانشکده ادبیات بود. می‌گفت: «مرتب خود را زیر ذره‌بین معیارهای اسلام قرار دهید و در کارها و دیدگاه‌هایتان دقت داشته باشید. سر سوزنی انحراف از مسیر واقعی پس از مدتی شما را به جایی می‌رساند که درمی‌یابید نسبت به نقطه ابتدایی که بر آن انطباق داشته‌اید زاویه بزرگی پدید آمده و شما را از صراط مستقیم کاملاً دور ساخته است.»

**سید عبدالحمید (وحید) دیالمه مرد  
مخلصی بود که چشمان تیزبینش  
سال‌ها جلوتر را می‌دید و از آن  
سخن می‌گفت. خودش می‌گفت:  
«جرم من آن است که حرف‌هایم را  
زودتر از زمان می‌زنم» و درست به  
همین خاطر بود که نوک تیز حمله  
دشمنان و منافقین به سمت او بود.**

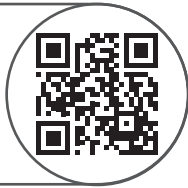
پس از اعلام نتایج انتخابات مشهد و رای بالایش به او تریک گفتند ولی او چهره‌اش در هم رفت و گفت: «مسئولیت که تریک گفتن ندارد!»

بارها خطر انتخاب بنی‌صدر به عنوان رئیس‌جمهور را به دیگران گوشزد کرده بود. در یک سخنرانی در جمع نمایندگان مجلس گفته بود: «بنده چند ماه قبل از ریاست‌جمهوری آقای بنی‌صدر در دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد گفتم که ریاست‌جمهوری بنی‌صدر برای اسلام و انقلاب اسلامی ما یک فاجعه است چرا که به ولایت‌فقیه سر سوزنی اعتقاد ندارد و همین امر باعث می‌گردد که نهایتاً در مقابل امام ایستاده و مشکلات عظیمی را

من امیدوارم اشخاصی که کاندیدا شدند برای ریاست جمهوری، شما توجه کنید و کسی که از همه متعهدتر باشد، نه غربی باشد، نه غریزه و شرق زده باشد، پیرو احکام اسلام باشد، دلسوز به ملت باشد، خدمتگزار به ملت باشد، سوابقش خوب باشد، با اجانب پیوند نداشته باشد [را انتخاب کنید].  
ملاحظه سوابقشان را بکنید که چه کردند و چه بودند و بعد از اینکه همه اوصافش را به دست آوردید و او را شخصی دانستید که می‌تواند این مملکت را به طوری که خدا می‌خواهد اداره کند تا آن حدودی که در اختیار اوست و شخصی است که تعهد به اسلام دارد و در مقابل قانون اساسی خاضع است و به اصل صد و دهم که راجع به ولایت فقیه است، معتقد است و وفادار است نسبت به او، یک همچو شخصی را خودتان انتخاب کنید و گروه‌های مردم را هم وادار کنید که یک همچو شخصی را انتخاب کنند. ۱۳۵۸/۱۰/۹



## کرسنت چه بود؟



## آخرین مرحله‌ی انتظار



سلام ۱۱۰

فرهنگی

سالمات کلماتی همچون تندروها، افراطی‌ها و امثالهم را شنیده‌اید.

### ۷. سکوت و تغییر جبهه:

امروزه بسیاری از سازمانهای تبلیغاتی دولتی، به همین شیوه عمل می‌کنند. به جای پاسخگو بودن، نهادهای مختلف را مورد تاخت و تاز قرار می‌دهند تا اصل قضیه به فراموشی سپرده شود. حملات به قوه قضاییه، شورای نگهبان، سپاه و...

### ۸. قاطعیت بیان:

مطلب و «پیام» تبلیغاتی، با قاطعیت کامل بیان شده و جایی برای بحث و تردید در شنونده باقی نگذارد. مثلاً تنها راه عبور از مشکلات داخلی را در مذاکرات خارجی توصیف می‌کنند و این تاکید در آن حد بود که گفتند مشکل آب خوردن نیز با برجام حل خواهد شد.

### ۹. مردم:

سعی دارد عموم مردم را قانع کند که دیدگاه‌های او، منعکس کننده دیدگاه اکثریت مردم است. پس ایده‌ها و پیشنهادات را از طرف شخصیت ارائه کننده آن بررسی کنید.

### ۱۰. توصیفات:

توصیفات، نقل قول‌ها یا تاییدیه‌های مربوط یا غیرمربوط به موضوع هستند که سعی می‌کنند یک فرد معروف و قابل احترام را با یک محصول یا خدمات مرتبط کنند. اینجا می‌بایست توصیفات و نظرات را جدا از فرد معرفی شده بررسی کنید.

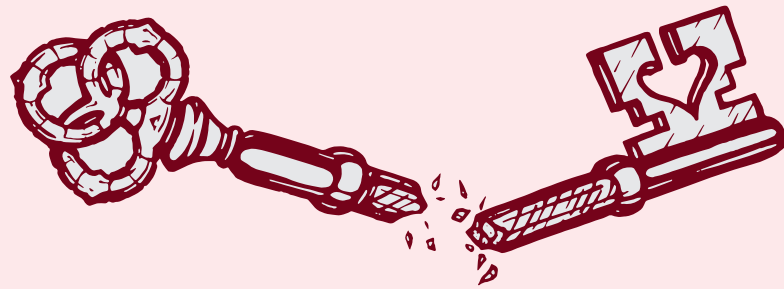
### ۱۱. انتقال:

از این تکنیک برای انتقال احساسات مثبت به منفی از یک شیء به شیئی دیگر استفاده می‌شود، می‌توان از آن برای انتقال تقصیر یا احساسات بد از یک سیاستمدار یا دوست یا اعضای حزب او یا حتی خود حزب استفاده کرد. بنابراین می‌بایست مزایا یا مشکلات آن پیشنهاد یا ایده را به تنهایی و جدا از اعتقاداتی که مربوط به سایر اشیاء یا پیشنهادات است بررسی کنید. گاهی شعارهایی که نشان از تاثیر از این روش است دیده می‌شود همچون دولت راستگویان، بوی بهشتی آمد، یاحسین میرحسین و یا دولت انحراف. سواد رسانه‌ای می‌تواند به مخاطبان رسانه‌ها پیام‌ها را از حالت انفعالی و مصرفی خارج کرده و به معادله متقابل و فعالانه‌ای وارد شوند که در نهایت، به نفع خود آنان باشد تا از سفره بهره‌مند شوند. گونه‌ای هوشمندانه و مفید بهره‌مند شوند.

منابع: خانه‌ای. آی آر / ایسنا / شرق / شکرخواه / حسین افخمی / ویکی پدیا

# وعده‌های تبلیغاتی

## بازخوانی و بررسی چرایی اثرگذاری این نوع تبلیغات و راهکار مقابله یا هدایت آنها



### ۴. استفاده از احکام کلی:

همه افراد منسوب به یک دسته یا تیپ را اغلب یکسان شمرده و صرف نظر از خصوصیات فردی، از ابتدا و پیش از هر آزمایشی، درباره آنها یک قضاوت مشخص می‌شود. مثلاً کسانی که نسبت به کشور دغدغه دارند اعم از دغدغه‌های مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و... را در یک تیپ شخصیتی قرار داده و با استفاده از احکام کلی و قضاوت‌های یکنواخت، همه را به محاق می‌برند.

### ۵. القای عدم نیاز به اثبات:

فرض می‌کنند که مدعیانشان قبلاً برای هر کسی ثابت شده است؛ بنابراین وارد جر و بحث نمی‌شوند. شنونده را از به کار انداختن آزادانه اندیشه خود بازداشته و تا می‌تواند جلوی پرسش‌های مزاحم را می‌گیرند، از انتقاد نیز با مشروط کردن آن به انتقاد سازنده، جلوگیری می‌کنند. شاید شنیده باشید: «همانطور که همه شما می‌دانید این یک دروغ بزرگ است» یا «جنگ حتمی را از کشور دور کردیم» که الزامی برای اثباتش به مخاطب لحاظ نمی‌شود و به گونه‌ای بیان می‌شود که مخاطب نیز در رد آن تردید نکند.

### ۶. جابه جا کردن کلمه‌ها:

هر جا نیاز پیش آید، اصطلاح خوشایند یا نفرت‌انگیزی را که «بار تأثیری» فراوان داشته باشد، به جای کلمه اصلی که خنثی و بی‌طرف است، می‌گذارد.

دغدغه جنگ و صلح. برای شناخت ماهیت فریبکارانه یا واقع‌گرایانه این وعده‌ها باید دقت کرد کاندیدایی که شعارهایش برگرفته از ظرفیت‌های جامعه باشد و برای رسیدن به اهداف، مسیری واقعی را ترسیم کرده است بیشتر به ارائه جزئیات برنامه خود می‌پردازد و براساس اصول کلی، راهکارهای برطرف کردن مشکلات یا سرعت بخشیدن به پیشرفت جامعه را تبیین می‌کند. اما کاندیدایی که بر اساسات و برداشت سطحی مردم از اخبار و وقایع سرمایه‌گذاری کرده باشد بیشتر به حربه‌های کلامی و اصول تبلیغات سیاسی، روی می‌آورد که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم:

### ۱. اصل تکرار:

کلمه‌ها، نواها یا تصویرها، علائم و نشانه‌هایی که برای نفوذ در عقیده آن قدر تکرار می‌شود تا چشم و گوش شنونده و بیننده، تحت فشار عصبی قرار گیرد و به طور ناخودآگاه به خواسته مبلغ عمل کند.

### ۲. دستچین کردن واقعیتها:

گزینش اخبار و انتشار چندین باره آن و چشم پوشی از دیگر واقعیتها.

### ۳. دروغ محض:

«دروغ هرچه بزرگتر باشد، باور کردن آن برای توده‌های مردم، راحت تر است.» مانند شعار اصلاح ۱۰۰ روزه امور که امروز با تکیه بر اصل قاطعیت انکار شد.

«شعارهای لفاظی گونه، اسم از مفاهیم مبهم و بی‌سررشته آوردن، مشکل مردم را حل نمی‌کند؛ مردم احتیاج دارند به این که در میدان عمل و کار، با لجن‌هایی که نمی‌گذارد این دریایچه‌ی مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود.» (امام‌خامنه‌ای (حفظه‌الله))

اهمیت روزافزون افکار عمومی در اعمال قدرت سیاسی موجب شده وعده‌های انتخاباتی تبدیل به یکی از ابزارهای موثر بر افکار عمومی در جهت رای‌آوری شود. باید توجه داشت این وعده‌ها در راستای افزایش میزان آگاهی مردم از ظرفیت‌های کشور و جامعه و کارهایی که هر کاندیدا برای پیشبرد اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خود انجام می‌دهد باشد و نه نوعی فریب.

اما تشخیص این مسئله برای مردم چطور ممکن است؟ شناختن روش‌های تبلیغی می‌تواند به مخاطب این فرصت را بدهد تا واقعیت یا فریب را در این وعده‌ها تشخیص دهد و مطبوعات و احزاب برای آنها تصمیم‌سازی نکنند.

عوامل مختلفی در شکل‌گیری و تاثیرگذاری بر افکار عمومی موثر هستند از جمله:

**الف) عوامل محیط اجتماعی:** مانند خانواده، دوستان، محل کار، امکان مذهبی، مدرسه و دانشگاه و غیره.

**ب) رسانه‌های گروهی:** موجب ایجاد دیدگاه‌های خاص درباره موضوعات و افراد خاص شده و آرای پنهان را فعال و تقویت می‌کنند.

**ج) احزاب و گروه‌های فشار:** این گروه‌ها ممکن است از طریق ارتباط و سیطره بر مسایل سیاسی، اقتصادی و... و در چنگ گرفتن رسانه‌های گروهی، افکار و دیدگاه‌های خود را منعکس و بر افکار عمومی تاثیرگذار شوند.

در مجموع دولت به سه طریق ممکن است بر افکار عمومی تاثیر بگذارد:

۱) تغییر نگرش‌های سیاسی از طریق مستقیم مانند کاهش بیکاری، تامین رفاه عمومی و...

۲) تغییر نگرش‌های سیاسی از طریق غیرمستقیم مانند دخل و تصرف و یا مغالطه در آمار

۳) تغییر بافت جامعه از طریق اعمال قدرت مثل خصوصی‌سازی، صنایع، خدمات بهداشتی، نظام‌های تحصیلی و...

همه اینها در انتخاب نوع شعارها و وعده‌های انتخاباتی موثر است، شعارهایی که با شناخت از حساسیت‌های مردم به موضوعات مختلف داده می‌شود و یا برای آنها دغدغه‌های جدید می‌سازد مثل





الحمد لله خداوند بزرگ بر ما منت نهاده و این چنین نظام الهی را بر ما حاکم نموده و ما را از آن لجن زارها و فسادها به این چنین عزت و عظمت رسانده، پس موقعیت خودتان را درک کنید. اسلام و جمهوری اسلامی را بهتر بشناسید و از آن حمایت کنید که اگر خدای ناکرده لحظه‌ای کوتاهی کنید خداوند از شما راضی نیست.

با تمام وجود پشتیبان انقلاب باشید که عظمت و عزت و سربلندی ما به وجود این نظام بسته است اگر کوتاهی کنید به سرنوشت گذشته و بدتر از گذشته دچار خواهید شد و در آن وقت پشیمانی سودی نخواهد داشت.

## حکومت بر اراده‌ها و انگیزه‌ها

راز خردورزی در کلمه حیاتی «چرا» نهفته است که کمتر کسی به اهمیت فوق‌العاده آن توجه دارد. «چرا» گفتن و برای گرفتن جواب آن پافشاری کردن و قبل از گرفتن جواب تصمیم نگرفتن، ترسیم کننده روح خردورزی در زندگی است. در واقع، ما به همان اندازه خردورزم که به چرایی چیزها و اتفاق‌های اطرافمان فکر می‌کنیم.

همانطور که همه‌ی عقاید ما جوابی است به سوالات ما، همه کارهای ما هم واکنشی است به نیازهای ما. تا نیاز و خواستنی نباشد، حرکتی صورت نمی‌گیرد و تا سؤالی نباشد و آن سؤال، جوابی را نطلبد، عقیده‌ای پدید نمی‌آید. اما مسئله به این سادگی نیست زیرا حقیقت این است که گاهی کارهای متفاوت و گاه متضاد مدعی پاسخگویی به یک نیاز مشخص را خواهند داشت و دیده‌ایم که در جواب یک سؤال، عقاید مختلفی خودنمایی کرده است! و نیز به این حقیقت رسیده‌ایم که نمی‌توان چند عقیده متفاوت را با هم داشته باشیم و عاقلانه نیست که برای برطرف کردن یک نیاز جسمی یا روحی، کوچک یا بزرگ، درونی یا بیرونی و ... راه‌های متعدد را برویم و همه کارهای ممکن را انجام دهیم.

نه عمر کوتاه ما این اجازه را به ما می‌دهد و نه امکانات کم و نیازهای فراوان ما. اینجا، جای انتخاب است و هر کسی ممکن است راهی را انتخاب کند. وقتی گرمای هوا آزار دهنده می‌شود، می‌شود کاغذی دست گرفت و خود را باد زد. می‌شود لباس‌ها را از تن در آورد و به آب زد. می‌شود خود را در معرض باد کولر یا پنکه قرار داد و ... همه این‌ها راه حل‌های مشکل شماست اما شما کدامیک را انتخاب می‌کنید؟ درست است! هر کدام که نسبت به شرایط شما

مناسبت‌تر باشد. اما چه کسی به شما می‌گوید که این کار متناسب این شرایط است؟ دقیقا درست است؛ عقل شما! هر جا که پای انتخاب در میان باشد، خرد انسان دست به کار می‌شود و با سنجش و بررسی، بهترین راه چاره را برمی‌گزیند و به شما پیشنهاد می‌کند. این معنای خردورزی در زندگی است. اما اینطور نیست که همه به این خردورزی پایبند باشند و قواعد آن را رعایت کنند. برای آن که با حضور خرد، گام مثبتی برای بهروزی خود برداریم لازم است: اول با چون و چرا کردن در کارها و عقایدمان پای خرد را به میان بکشیم. کسانی که عادت ندارند در مقابل کاری که می‌خواهند انجام دهند یا عقیده‌ای که به آن ترغیب می‌شوند «چرا» بگویند فرسنگ‌ها از زندگی سعادت‌مند دورند. چون نیروی محرکه انسان خرد است. دوم اینکه اطلاعات لازم را در اختیار خود بگذارند. قوی‌ترین خردها و محکم‌ترین منطق‌ها هم وقتی از اطلاعات غلط یا ناقص تغذیه بشوند در دام اشتباه می‌افتند. هر قدر در گردآوری مواد خام لازم برای سوخت و ساز خرد وسواس و دقت به خرج دهیم، می‌توانیم از نتیجه‌ای که خردمان می‌گیرد مطمئن‌تر باشیم. و سوم یادمان باشد برای تقویت یک حاکم هیچ چیز مهم و اصلی‌تر از اطاعت نیست و خردورزی یعنی حکومت خرد بر اراده‌ها، انگیزه‌ها و عوامل محرک. اگر به آنچه خرد به آن فرمان می‌دهد یا کج‌روی و یا تصب عمل شود اولین اتفاقی که می‌افتد تضعیف موقعیت خرد است. به این معنی که به جسارت، استقلال و دقت آن برای دفعات بعد ضربه زده‌اید و اگر این رفتار تبدیل به عادت شود، زندگی دستخوش امیال و انگیزه‌های بی‌پایه و سرگردان می‌شود و به سمت پوچی و تباهی حرکت می‌کند.

## انتخاب ارزشمند



ریاست جمهوری است و با توجه به انتخاب شعار سال توسط رهبرانقلاب به نام «اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال» بر این نکته تاکید می‌شود که کاندیداهای محترم می‌بایست در درجه اول برنامه اقتصادی خود در این راستا را اعلام کنند. دو روش برای سنجش برنامه‌های اقتصادی پیشنهاد می‌شود: شخصی و نوعی.

**تعریف شخصی:** هر فرد می‌تواند با علم و تجربه خود به نتیجه مطلوب برسد. **تعریف نوعی:** هر فرد با مراجعه به علم و تجربه دیگری به نتیجه مطلوب برسد.

**شخصی:**

۱. شناخت اعضای تیم اقتصادی کاندیدها
۲. واقعیت‌سنجی برنامه‌های اقتصادی آنان در اقتصاد خانواده و جامعه (درآمدها و هزینه‌ها)
۳. سنجش باور و درک کاندیدها از اقتصاد مقاومتی در حرف و عمل‌شان

**نوعی:**

۱. استفاده از نظر کارشناسان و اقتصاددانان مستقل (ممکن است تمایل سیاسی و جناحی هم داشته باشند اما آن را در سخنان خود دخیل نکرده باشند)
- اما فراموش نکنیم که نشانه‌های اولیه شناخت فرد و دروازه ورود به مرحله سنجش برنامه‌های اقتصادی عبارت است از:

- پابندی به مبانی و آرمان‌های اساسی اسلام و انقلاب
- هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها
- پابندی به استقلال کشور
- حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن
- تقوای دینی و سیاسی

با یک انتخاب ارزشمند خارج از فضای غبارآلود احساسات و کشمکش‌های میان احزاب و گروه‌ها می‌توان سرنوشت کشور را به دست کسی سپرد که دنبال حل مشکلات مردم باشد نه منافع شخصی و حزبی خود.

**«رییس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوی، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور»**

(اصل ۱۱۵ قانون اساسی)

انتخابات ریاست‌جمهوری همواره از سرنوشت‌سازترین مقاطع کشور بوده است. انتخاباتی که نتایج آن؛ جهت‌گیری کشور را برای یک دوره نسبتاً طولانی رقم می‌زند. آنچه مسلم است؛ گرایش‌ها، افکار، روش‌ها و سلاقی دولت؛ تمام شئون مملکت را تحت تأثیر قرار داده و گفتمان حاکم بر دولت بر عرصه‌های مختلف اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، اجتماع و ... سایه می‌افکند. اما علی‌رغم اهمیت این موضوع باید اعتراف کرد که متأسفانه «سرنوشت‌سازترین تصمیم‌ها در احساسی‌ترین فضاها رقم می‌خورد».

در ایام انتخابات به جای این که به ملاک‌ها و ویژگی‌های لازم برای یک رییس‌جمهور توجه شود، غالباً شاهد دنباله‌روی از جریان‌ها، گروه‌ها و برخی از افراد خاص هستیم.

واضح و آشکار است که لذت موفقیت در چنین انتخابی کوتاه و زودگذر و اندوه ناشی از آن عمیق و طولانی خواهد بود. رییس‌جمهور برآمده از چنین روشی حتی به گروه‌های حامی خود نیز چندان تمهیدی نخواهد داشت چرا که انتخاب خود را بیش از آن که مدیون بکارگیری یک روش جمعی و عقلایی بداند، نتیجه‌ی قابلیت‌های شخصی خود می‌پندارد.

چه ویژگی‌هایی برای یک رییس‌جمهور - آن هم در شرایط حساس کنونی - لازم و ضروری است تا با انتخاب او چشم‌انداز روشن‌تری برای آینده‌ی ایران اسلامی رقم بخورد؟

**شاخص‌های انتخاب ارزشمند:**

۲۹ اردیبهشت ۹۶ دوازدهمین انتخابات

ماهنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی میعاد. نشریه تولیدات کاربران شبکه اجتماعی افسران

**سردبیر:** باران زعیبی

**همکاران این شماره:** سیدمتین امامی، میثم اسماعیلی، علیرضا افشار، صائمه رضایی

معصومه رحیمی، سلام ۱۱۰، پرستو، فانوس، پرواز ۷۷

**طراح نشان:** مسعود نجابتی / **طراحی و صفحه‌آرایی:** سیدم. حسینی

**سامانه پیام کوتاه:** ۰۰۶۱۳۳۹۳۰۵۲۰ **رایانامه:** nashrie\_afsanar@mihanmail.ir

**نشانی سایت:** www.afsaran.ir/profile/nashrieafsanar

ما را در مسیری که شروع کرده‌ایم تنها نگذارید. ایده‌های خود را در مورد مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی برای «میعاد» بنویسید. ما به توانایی‌های نسل جوان ایمان داریم.

منتظر نقدها و نظرات شما درباره مطالب نشریه هستیم. اگر عیوب ما را به ما هدیه دهید، دوست داشتنی‌ترین برادر ما خواهید بود. مسئولیت مطالب درج شده در نشریه به عهده نویسندگان آن است. استفاده از مطالب مندرج در نشریه تنها با ذکر منبع مجاز می‌باشد. هیئت تحریریه از مطالب ارسالی استقبال می‌کند.